

# اندرز دانایان به مزدیسان

برگرداننده

یحیی ماهیار نوابی

تهیه و نشر الکترونیک

علیرضا کیانی

منتشر شده در تارنمای

[WWW.TARIKHFA.COM](http://WWW.TARIKHFA.COM)

## پیشگفتار

اندرز دانایان به مزدیسنان (اندرزِ داناگان اَ مزدیسنان) اندرزنامه‌ای است که موضوع اصلی آن درباره‌ی مرگ و ناپایداری جهان است. متن اندرز با توصیه به تطهیر در بامداد و پوشیدن جامه‌ی پاک و بستن کُستی (کمربند دینی) آغاز می‌گردد و سپس مطالبی در بی ثباتی جهان مادی و ثروت آن می‌آید و به دنبال آن بر وفاداری به عهد و پیمان و پرداختن به اندیشه‌ی نیک و گفتار نیک و کردار نیک و پرهیز از اندیشه‌ی بد و کردار بد تأکید شده است. بندهای ۱۳ تا ۱۶ نیز درباره‌ی بی ثباتی جسم و گلایه از بازماندگانی است که پس از مرگ برای رفتگان خود خیرات نمی‌کنند. بند ۱۷ تا ۲۰ قطعه شعری است قافیه دار که آن نیز در ناپایداری امور گیتی است. این اندرزنامه که از نوع اندرزنامه‌های دینی است و به دست شادروان یحیی ماهیار نوابی از پهلوی به پارسی امروزی برگردانده شده است، توسط علیرضا کیانی در تارنمای تاریخ فا بازنشر و به هم میهنان گرامی ارائه شده است.



## به نام یزدان

[ اندرز دانایان به مزدیسان <sup>۱</sup> ]

۱- گوش اندر دارید بویژه <sup>۲</sup> مردمانی که مزدیسن کشورید <sup>۳</sup>، بشنوید دانشی گفتار <sup>۴</sup> نیک <sup>۵</sup>، اندرز هورمزد و امشاسپندان را.

۲- به اوشهین گاه <sup>۶</sup> (بامداد) برایستید، ای مردمان مرگمند <sup>۷</sup>، از روی داد <sup>۸</sup> دست و روی به گمیز گوسپندان شوئید و به آب پاک شوئید و به آئین، جامه <sup>۹</sup> پاک پوشید و به نیرنگ <sup>۱۰</sup> دین مزدیسان گستی <sup>۱۱</sup> بندید. به اندیشه و گفتار و کردار نیک <sup>۱۲</sup>، از روی باور <sup>۱۳</sup>، برای روان کار و گُرفه کنید و خواستار پاسائی <sup>۱۴</sup> باشید.

۳- امروز که جهان برقرار است <sup>۱۵</sup> و تا آنگاه که هرمزد <sup>۱۶</sup> خدای زیش <sup>۱۷</sup> گیتی به میان هلد <sup>۱۸</sup>، پیش از آنکه استویداد <sup>۱۹</sup> فرا رسد <sup>۲۰</sup> و وای بتر <sup>۲۱</sup> بر لاشه <sup>۲۲</sup> نشیند و تباهی <sup>۲۳</sup> کالبد را هوش و ویر <sup>۲۴</sup> و بوی <sup>۲۵</sup> و تن از کالبد جدا کند و کالبد من <sup>۲۶</sup> ریمن و بیکار <sup>۲۷</sup> کند تا هنگام سوشیانس <sup>۲۸</sup> و تن پسین <sup>۲۹</sup>، هوش و ویر و بوی و جان و تن و کالبد مردمان با یکدیگر نیامیزد <sup>۳۰</sup>.

۱- مزدپرستان، خداپرستان، پیروان دین زرتشت. ۲- در متن پهلمیها: سرآمد مردان، ممتازترین مردان

۳- متن: که اید مزدیسن کشور. ۴- متن: anidanak gubeshn.

۵- متن: فرارون. ۶- بامداد پگاه (نخستین بخش نیایش از نیمه شب تا بامداد).

۷- متن: اوش اومند، در اینجا بمعنی مرگ است. ۸- متن: datiha: از روی داد.

۹- متن: vastarg. ۱۰- ورد، دعا، نیایش رنگین.

۱۱- کمر، گستی، کشتی. ۱۲- متن: به منش و گوش و کنش فرارون.

۱۳- متن: mineshnigiha. ۱۴- ahraih pursitar. ۱۵- هشت ایستد: برقرار شده است.

۱۶- پروردگار هستی بخش دانا. ۱۷- اسم مصدر از فعل زیستن. ۱۸- تاوقتی که خدا هستی جهان را برقرار دارد.

۱۹- دیو مرگ، تباه کننده بدن. ۲۰- متن: ابر رشد: بر رسد. ۲۱- وای بتر: بدتر. بادی است که روان را به دوزخ می برد.

۲۲- متن: کرپ: جسد، لاشه. ۲۳- متن: veshupeshn: تباهی، فساد. ۲۴- حافظه. ۲۵- ادراک

۲۶- مردمان ۲۷- متن: اکار ۲۸- سوشیانس موعود دین زرتشت است.

۲۹- روز قیامت، رستاخیز. ۳۰- یک به دگر نگومیزد: ترکیب نشود.



۴- پس کالبد مردمان همانا چنان درختی است که کارند و روید و افزایش و گسترده شود<sup>۳۱</sup>، پس شکنند و بر ند ازّه کنند<sup>۳۲</sup> و بر آتش نهند و آتش سوزد و گوارد و باد مقدّس<sup>۳۳</sup> در جهان افشاند، پس جز او که کاشت<sup>۳۴</sup> یا دید یا شنید نداند که درخت خود بود یا نه.

۵- پس، از مردمان، اندر گیتی، آن بلند پایه تر<sup>۳۵</sup> که هر خواسته و افزایشی را<sup>۳۶</sup> برای کار و کرفه اندوزد.

۶- با خویشاوندان، دوستان و مردمان جدا دین<sup>۳۷</sup>، پیمان مشکنید<sup>۳۸</sup>. برای خاطر ناف<sup>۳۹</sup> و پیوند خویش<sup>۴۰</sup>، تخم بد پیمان شکنی را با اندیشه و گفتار و کردار بد مکارید.

۷- ...

۸- چه اگر کسی نیک اندیشد به پندار و نیک گوید به گفتار و نیک کند به کردار<sup>۴۱</sup>، روان خویش را به بهترین موجودها<sup>۴۲</sup> سپارد: به هومت و هوخت و هورشت<sup>۴۳</sup>.

۹- چه سپنّته مینو<sup>۴۴</sup> را پندار و گفتار و کردار نیک است و دین گاهانیک<sup>۴۵</sup> است، دین به و ویژه مزدیسنی، و پیشه نیکخوئی است و روش پارسائی است.

۳۱- متن: وخشد. ۳۲- ازه کردن.

۳۳- متن: آرتای. ۳۴- متن: کارد.

۳۵- متن: burzeshniktar. ۳۶- هر افزایش دارایی.

۳۷- غیر همدینان، آنها که دینی جداگانه دارند. ۳۸- پیمان شکنی نکنید.

۳۹- نژاد. ۴۰- بخاطر فرزندان و خویشاوندان خود.

۴۱- ورزد به ورزش. ۴۲- متن: pahlum axvan.

۴۳- پندار نیک و گفتار نیک و کردار نیک. چون در اینجا به آنها شخصیت داده شده است، همان نامهای دینی در ترجمه بکار رفته است.

۴۴- متن: شپیناک مینوک: مقابل و ضد گناک مینوک یا همان انگره مینو (اهریمن). بر اساس دین زرتشت و باور ایرانیان مزدآپرست دو نیروی همزاد در نهاد هر کس وجود دارد که یکی سپنّته مینو نیروی نیک است و دیگری انگره مینو نیروی بد.

۴۵- منسوب به گاتها، سرودهای دینی زرتشت پیامبر و منسوب به خود او.



۱۰- ...

۱۱- چه اگر کسی بد اندیشد به پندار و بد گوید به گفتار و بد کند به کردار، روان خویش را به بدترین موجودات<sup>۴۶</sup> سپارد: به دشمنت، دژ وخت و دژ ورشت<sup>۴۷</sup>.

۱۲- چه گنّامینو (اهریمن) را پندار و گفتار و کردار بد است، دین جادویی است و پیشه بی دینی<sup>۴۸</sup> است و روش فریفتاری است.

۱۳- به امید کرفه بزرگ گناه مکنید.

۱۴- به جوانی گستاخ مباشید ای مردمان مرگمند، چه بسا کسانی بودند که به برنایی از گیتی درگذشتند و نیست و ناپیدا شدند و بودند کسانی که تا دیرزمان پائیدند، ولی نیز به فرجام کار باید در گذشتن و نیست و ناپیدا شدن.

۱۵- ولی اکنون این دانم<sup>۴۹</sup> که چیز آنجهانی<sup>۵۰</sup> باید کرد<sup>۵۱</sup> که دیرزمان پاید و تباه نشود.

۱۶- ای تن! انگار کم کار گیتی گذرد و کالبد گرامی و نازک<sup>۵۲</sup> به جایگاه فراموشان برند و آنجا بنهند و یاد نکنند و روز به روز بیشتر فراموش و از یاد رفته شود. بازماندگان<sup>۵۳</sup> پیکار کنند و درون<sup>۵۴</sup> نستایند و من که روانم و ستایش را سزاوار<sup>۵۵</sup>، از تو، تن، مستمند و گله مند<sup>۵۶</sup> باشم.

۴۶- متن: vattum axvan.

۴۷- یعنی پندار، گفتار و کردار بد.

۴۸- متن: ahramukih.

۴۹- متن: گیرم.

۵۰- متن: frashkartik.

۵۱- کار برای آخرت باید کرد.

۵۲- لطیف.

۵۳- متن: بودان.

۵۴- نان مقدس.

۵۵- متن: ستایش او مند.

۵۶- متن: garzeshnik.



- از گفت پیشینیان  
به راستی اندر جهان  
بود سود دو جهان
- بس آرزو اندر جهان  
نه کوشک و نه<sup>۵۹</sup> خانمان  
و بچه نازید در جهان
- بس آرزو اندر جهان  
سردار بزرگ بر<sup>۶۲</sup> مردمان  
برفتند اندر<sup>۶۳</sup> جهان  
و با درد برفتند<sup>۶۵</sup> بی سامان
- دل بندد اندر<sup>۶۶</sup> جهان  
و تن را به<sup>۶۷</sup> آسان
- و کرفه بکار ندارد چون که فردا آنجا باید شدن به نزد داور راست. شاد و دراز زندگانی و فرخ و پارسا و پیروز گر و کام انجام (کامروا) باشید.
- انجام یافت به درود و شادی و رامش.

۵۷- برای نخستین بار پرفسور هنینگ نشان داده است که بخش پایانی این اندرز بصورت سروده است.

۵۸- واژه هایی توسط پرفسور هنینگ برای بهتر شدن ترجمه افزوده شده است.

۵۹- طبق نظر هنینگ، در اینجا بیتی پاک شده است.

۶۰- متن: چند مردمان دیدم.

۶۱- متن: چند خدایان سپاهبدان دیدم، سپاهبدان وزن را خراب میکنند و زائد است.

۶۲- متن: مه سرداری ابرمردمان.

۶۳- در اینجا نیز جمله دیگری افزوده شده است: «که ما مهتریم اندر جهان».

۶۴- متن: afrah. ۶۵- متن: asaman.

۶۶- متن: ka vaster andar gehan.

۶۷- یعنی گیتی را سپنجی و گذران نداند و تن را خوار نشمرد.

[WWW.TARIKHFA.COM](http://WWW.TARIKHFA.COM)

[WWW.EBOOK.TARIKHFA.COM](http://WWW.EBOOK.TARIKHFA.COM)

[WWW.FORUM.TARIKHFA.COM](http://WWW.FORUM.TARIKHFA.COM)

تهیه و نشر الکترونیک

علیرضا کیانی

و

احسان م.

مهر ۱۳۹۲